

(1) آستان سلطنت آشیان عالی حضرت کردون بسطت سلیمان رتبت اسکندر شوکت اعلی خلافت پناه عدالت دستگاہ سلطان سلاطین المتقدمین (2) خاقان خواقین المتأخرین واضع قوانین المعقوله مؤسس افانین الحق فی کل مقوله مہد قواعد الشرع فی کل القضايا مولد مراسم العدل فی کل الخطایا (3) سلطان اعظم خاقان عرب و عجم الّذی يتصاعد بتصاعد مراتبه مراتب الدّنيا و الدّین و يتطاطا دون سرادقات عظمتہ رقاب الملوك و السلاطین (4) متّہ مقدم و منیتہ قائم اذا لغه السّيف الصّقیل و القلم اطرابط المجاهد المویذ المظفر المنصور الی نفع الصور صاحب الحظّ الموفور من مواهب الملك الغفور (5) قاصم الأعادی قاسم الايادی حائر المآثر الملیکیه و المملکیه الّذی اذعنت لاواحره و نواهیہ الحركات الفلکیّہ الصنید الصمصام الاصل القمقام غیث السماء الشجاعة لیث غایه السّماحہ (6) اروع الملوك و اعدلهم ابرع الصنادید و افضلهم معین انصار الهدی مغیث قیاصره النّدی منفذ الضّعفه عن الظلمة بسيف جهاده و الاجتهاده ناصر الخلفاء المجتهدین (7) قامع الخلعاء المتمرّدين المشار الیه فی السلاطین اذا تعدّ المکارم و المفاخر المذكور بالعالم العادل علی وجوه الدنانیر و اعواد المنابر (8) عار من العار کاس من علی و تقی لله درّفتی عار من العار ظلّ الله فی الأرضین قهرمان الماء و الطین شمساً للحق و السلطنه و الدّنيا و الدین لازالت سدّة العلیاء و السّاحه العظمیٰ<sup>1</sup> بوجود النّصر الالهی معمره و بسحائب (9) العطف الربانیّہ مهطورة و الویة جلاله بر تاج الفتح منشوره و آماله فی سلك المرام منتظمه و آثار الظلم عن صفحه الانام بیامن عدله منتظمه<sup>1</sup> مسجد جبابره دوران و مخضع و مقبل اکاسره زمان (10) و سایه آفتاب عالمتاب عنایات بی غایتش بر سر عالم و عالمیان الی زمان الأنقراض و انقراض الزّمین پاینده و تابنده باد بالنّبی و آلہ الامجاد بنده محب مخلص و معتقد متخصص فرخ

یسار که زمین دل (11) بنهال موّدت اخلاص و کین جان بنقش محبت اختصاص آنحضرت مغروس و منقوش دارد غلمان خدمت که لبان مصادقت از پستان صفو اتحاد خورده و ولدان دعوات که (12) در عهد خلوص و داد پرورش یافته مرقب و مرفوع میدارد و رای نصرت‌نمای کشور آرای نقّاب‌ها را چون سعادت حرکت بجانب ملاقات عالی در نقاب حجاب متواری (13) و متعذّرت بر قضیّه و من لم یجد ماءً فیتیمم بالتراب واجب دانست این ضراعت رفع کردانیدن و ریاض اخلاص طارف و تالدر رشحه قلم اختصاص تازه نضارتی دادن (14) تا خزان نسال بهار آنرا بجفاف ذبول نرساند غرض از ادراج این اشکال بدیهه الانتاج که قضایاء قیاسات‌ها معها دارد آنست که چون حضرت عزّت<sup>1</sup> عزّ<sup>2</sup> شانه<sup>2</sup> آنحضرت را (15) بموجب نصّ و الذّین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا سبب فتوحات قلاع حصین و قمع و قلع بقاع مرده عفاریت شیاطین جن و عبده طواغیت طغیان و مدابر کفار زمان (16) بدّد الله شملها و فرّق جمعهم که عبده وّد و سواع و عنده نصّ و اجماع و منکران بیوت محمدی و معاندان رسالت احمدی اندک‌گردانیده هذا من فضل ربّی برسلاطین زمان (17) و ملوک جهان و خواص و عوام اهل ایمان اطاعت و انقیاد آن آستان فلك آشیان فرض عین بل عین فرض است چون قبل ازین بسبب تخیّلات فاسده و افساد مردم مفسد (18) امیر مغفرت‌پناه حسن بیک طیب الله ثراه طریق مخالفت و معاندت مفتوح و سبیل موافقت و مصادقت مسدود داشته و نفوس استعلا و استیلا در صحیفه حاسد کاسبه در ان سوداء بی حاصل دست قضا تاج سلطنت (19) از فرق او برداشت و قباء فنا درو پوشانید و شربت همات از کاس یأس نوشانید بعد از ان انقلاب روزگار و تقدیر فلك جبار عمت آلاوه فرزند خلف او

<sup>2</sup> Hervorgehoben in Höhe der 13.-14. Zeile geschrieben; gehört hierher.

يعقوب بيك قايم مقام او شد و صوره وصلتی (20) که در حالت حيوۀ امير مرحوم کلمات شده بود بظهور پیوست و اميرزادۀ مشار اليه از حرکات ماضی پدر خودسر مخالف در تنش دارد و در سر من والذی يشفع عنده الا باذنه تفکر نموده زبان (21) حال بمناجات ربتنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا نه بر کشاده و آواز ربتنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين بمسامع استادگان پایه سرير هميون ميرساند که (22) و ليعفوا وليصفحوا ا لا تحبون ان يغفر الله لكم و الله غفور رحيم خسروا کرچه من کنه کارم عفوت امروزرا بکار امد مقصود انکه چون عفو بعد از هفوت زیر دستان (23) و اغصا<sup>3</sup> و اغماض از زلت کنه کاران سیرت متبع و سنت معتقد سلاطين جهان و ملوک زمانست بنا بران اين بنده مخلص را شفيع ساخته اگر عنایت خورشيد اشرف شامل احوال (24) اميرزاده مشاراليه سازند و در جریده بندگان و ملازمان درگاه مندرج فرمایند بنوعی که فیابعد رسل و رسایل او بی حجاب و منع حجاب بدان درگاه کیتی پناه صدور و ورود یابد (25) و رفع حاجات و مهمات کند هم جهانیانرا اثر لطف و مرحمت و اعطاف و اشفاق آنحضرت<sup>1</sup> حجت<sup>4</sup> حضرت بر عقب شرر عیان معلوم گردد و هم این بنده صافی الاعتقاد خالص الوداد فیما بین (26) الأقران مبهتج و مباهی و مفتخر و سرافراز و منت پذیر شود و از ابتان بموارد آن مشارب آمال خلائق مصق و مناهل امانی مهتا گردد و صادر و وارد بی (27) تصوّر اخطار و تجنب احوال بتردد و امدش مشغول کردند

از ان طرف نپذیرد کمال شه نقصان

ازین طرف شرف روزگار ما باشد

(28) در غرّة شهر صفر ختم بالخیر و الظفر سنه اربع قمری<sup>1</sup> این صحیفه العبودیه<sup>5</sup> مرقوم رقم اخلاص و دولتخواهی شده مصحوب جناب صاحب اعظم صدر معظم افتخار

<sup>3</sup> Ms. sic! Recte: اغصاء. <sup>4</sup> Ms. sic! Recte: حجت. <sup>5</sup> Über die Zeile nachträglich geschrieben.

الامجاد و الأمائل معتمد السلاطين (29) کافی المهام ناظم امور الخواص و العوام ملك  
التجار خلاصه الأحرار خواجه معزّ الدين<sup>7</sup> اميرحان<sup>6r</sup> عظم الله تعالى شأنه ارسال يافت  
تا شتمه از تمهيد معذرت اين صورت (30) بعرض حجاب و ملازمان درگاه فلك اشتباه  
رسانيده رجا واثق و عزيمت محكم و امل فسيح و<sup>7</sup> صريم(?)<sup>7r</sup> ميزد كه بسعادت قبول در  
بارگاه فلك مثال (31) استسعاد يافته عنقريب مقضى المرام مراجعت و معاودت نمايد  
و باخبار سازه استقامت طبيعت دولت و پادشاهی و اعتدال مزاج سلطنت و كشوركشاي  
(32) عراض صدور بنور سرور تابان كند و غراس امانی بعهاد شادمانی ريّان كرداند  
بجود جوده و منه مننه و بواقی مشافهات را چون بتقبيل عتبه<sup>8</sup> عليا تشرف (33) جويد  
بعرض نواب كامياب رساند جون غرض تنفيذ عقد و داد و مخالفت و تأكيد عقد اتحاد  
و مصادقت بود زيادت تطويل موجب تمليل نمود (34) بر دعا اختصار خواهيم كرد و ز  
دعا به چه كار خواهيم كرد

<sup>7</sup> زهي وجود تو پر خلق رحمتی ز خدای  
در سرای تو دار الأمان بهر دو سرای<sup>8r</sup>

حق تعالى آن شمس فلك سلطنت را در سپهر كاهرانی سالهاء نامتناهی باقی (35) دارد و  
چشم اهل اسلام را بنور معدلت و مرحمت مادامت السموات و الأرض منور كرداناد  
<sup>7</sup> بحق النبي و آله و صحبه الاجناد الأجماد<sup>9r</sup>  
<sup>10r</sup> آمین یا رب العالمین

<sup>6</sup> Ms. sic! Recte: امير خان. <sup>7</sup> Unsichere Lesung. <sup>8</sup> Hervorgehoben am Anfang des Dokumentes, oberhalb der 1. Zeile des Textes geschrieben; gehört hierher. <sup>9</sup> Als selbständige Einheit in die untere linke Ecke des Dokumentes geschrieben. <sup>10</sup> Als selbständige Einheit in die untere linke Ecke des Dokumentes geschrieben.